



اظهار نظر کارشناسی درباره:  
 «لایحه موافقتنامه انتقال محکومین بین جمهوری اسلامی ایران  
 و جمهوری قزاقستان»

مقدمه

یکی از بنیادی‌ترین اصول حقوق بین‌الملل، اصل همکاری دولتهاست که از جلوه‌های آن همکاری‌های حقوقی و قضایی است. امروزه عموماً چارچوب حقوقی این همکاری‌ها در موافقتنامه‌های دو یا بعضاً چندجانبه تعریف می‌شود. خود این موافقتنامه‌های چندجانبه، قالب‌های متفاوتی دارند. یکی از این صورت‌ها انعقاد موافقتنامه‌های استرداد مجرمان، همکاری قضایی کیفری یا حقوقی و انتقال محکومان به حبس است. موافقتنامه حاضر در زمره موافقتنامه انتقال محکومین می‌باشد. در ابتدا لازم است انواع معاهدات همکاری‌های دوجانبه حقوقی و قضایی و ویژگی آنها روشن شود تا جایگاه لایحه «موافقتنامه انتقال محکومین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قزاقستان» مشخص گردد.

۱. **معاهدات راجع به استرداد مجرمین و متهمین:** در این گونه از معاهدات، شخصی به واسطه رفتار مجرمانه‌ای که در یک کشور انجام داده است و یا متهم به ارتکاب آن است و در سرزمین کشور دیگری حضور دارد مورد تقاضای استرداد قرار می‌گیرد. در واقع در این نوع معاهدات، شخص مورد نظر در کشور محل ارتکاب، تحت تعقیب قرار گرفته است و یا حتی حکمی علیه وی صادر شده است، اما به هر دلیل از حوزه صلاحیت این کشور خارج شده است. در این حالت، کشور محل ارتکاب رفتار مجرمانه، از کشور محل حضور مرتکب عمل یا متهم به ارتکاب آن، تقاضای استرداد این شخص را می‌نماید. در این نوع از معاهدات، کشور تقاضاشونده ارائه اسنادی مانند حکم بازداشت و یا حکم قطعی، اسناد مثبت جرم و اطلاعات دیگری را مطالبه می‌کند تا بتواند از ادعای مورد نظر اطمینان حاصل نماید. در واقع «استرداد یک فرآیند رسمی است که طی آن دولتی از دولت دیگر می‌خواهد که شخص مورد تقاضای وی و یا فرد متهم و یا محکوم به ارتکاب یکی از جرائم ناقض قوانین کشور تقاضاکننده را به این کشور تحویل دهد. بازگرداندن شخص مورد تقاضا به این دلیل درخواست می‌شود که آن شخص به واسطه جرم و یا جرائمی که مرتکب شده است در کشور تقاضاکننده موضوع دادرسی و یا مجازات قرار گیرد.»<sup>۱</sup> موافقتنامه‌های دوجانبه استرداد متهمین و محکومین از قدیمی‌ترین معاهدات در حقوق بین‌الملل هستند و تاریخ انعقاد برخی از آنها به سال‌های پایانی قرن نوزدهم می‌رسد.<sup>۲</sup>

۲. **معاهدات راجع به انتقال محکومین:** در این نوع معاهدات، شخصی در سرزمین یک کشور مرتکب رفتار مجرمانه‌ای می‌شود. این شخص تبعه کشور محل ارتکاب رفتار مجرمانه نیست؛ این رفتار مجرمانه در آن کشور مورد رسیدگی قرار گرفته و در نتیجه مرتکب به حبس محکوم می‌شود. کشور متبوع شخص محکوم، به واسطه داشتن

مشخصات لایحه

دوره دهم - سال اول

شماره ثبت:

۲۳۲

شماره چاپ:

۴۱۱

تاریخ چاپ:

۱۳۹۵/۱۲/۴

معاونت پژوهش‌های

حقوقی - سیاسی

دفتر: مطالعات حقوقی

مشخصات گزارش

شماره مسلسل:

۲۴۰۱۵۳۳۷

تاریخ انتشار:

۱۳۹۶/۱/۱۶

۱. UNODC Manual on Mutual Legal Assistance and Extradition, Vienna September 2012, p.41.

۲. برای مثال موافقتنامه استرداد بین کانادا و اروگوئه به سال ۱۸۸۵ باز می‌گردد.

علقه سیاسی - حقوقی با آن شخص، متقاضی تحویل وی به خود می‌باشد تا آن شخص مدت زمان محکومیت خود را در زندان‌های کشورش سپری نماید.

بر این اساس، معمولاً در این گونه از موافقتنامه‌ها خود محکوم می‌تواند در صورت وجود شروط دیگر رضایتش را برای انتقال به دولت متبوعش برای سپری کردن محکومیت حبسش اعلام کند. البته در صورت اعلام رضایت شخص محکوم، پذیرش انتقال وی همچنان منوط به اعلام رضایت کشور صادرکننده و درخواست انتقال از سوی کشور اجراکننده حکم است. در واقع محکوم، حق ارائه درخواست را دارد، ولی کشورهای صادرکننده حکم و اجراکننده آن مکلف به پذیرش چنین درخواستی نمی‌باشند و اعلام رضایت آنها به‌عنوان عنصری ضروری از فرآیند تحقق انتقال می‌باشد.

براساس آنچه که بیان شد، تفاوت‌های اساسی بین دو نوع معاهده اول و دوم به چشم می‌خورد: اولاً در معاهدات نوع اول کسب رضایت مجرم یا متهم در امر استرداد شرط نیست در حالی که در معاهدات دسته دوم، رضایت شخص محکوم در امر انتقال تأثیرگذار است. ثانیاً تفاوت عمده دیگری که بین این دو معاهده وجود دارد مسئله نظم عمومی است. در معاهدات نوع اول، واقعیت آن است که نظم عمومی کشور متقاضی استرداد نقض شده است در حالی که در معاهدات نوع دوم نظم عمومی کشور تقاضاشونده نقض گردیده است. ثالثاً هدف از معاهدات گونه اول تأمین نظم و امنیت کشور متقاضی استرداد است در حالی که در معاهدات نوع دوم بیشتر منافع و مصالح شخص محکوم مورد توجه است.

**۳. معاهدات معاضدت‌های قضایی در امور کیفری:** این نوع موافقتنامه‌ها برای ردیابی متهمان و یا محکومان، تبادل اطلاعات راجع به جرائم و مجرمین و یا مشارکت در تحقیقات مقدماتی رسیدگی‌های قضایی منعقد می‌شوند. برای مثال می‌توان به ماده (۹) کنوانسیون مبارزه با رشوا و ارتشای مقامات عمومی خارجی در بازرگانی بین‌المللی اشاره کرد که عنوان می‌کند کشورها می‌توانند برای به دست آوردن اطلاعات و مدارک از طریق معاهدات همکاری قضایی دوجانبه وارد عمل شوند. در واقع هدف اصلی این نوع از معاهدات آن است که مقامات مجری قانون بتوانند مدارک و دیگر اقدامات شکلی لازم در خارج از کشور را به نوعی که در دادگاه‌های کشور تقاضاکننده قابل پذیرش است تدارک ببینند.<sup>۱</sup>

**۴. معاهدات معاضدت‌های قضایی در امور مدنی:** این معاهدات بیشتر در قالب معاهدات آموزش نیروها، نگارش و تدوین پیش‌نویس قوانین، شناسایی آرای محاکم، ابلاغ اوراق قضایی، جلب نظر کارشناس و... منعقد می‌شوند.

### بررسی لایحه معاهده

همان‌طور که از نام موافقتنامه حاضر برمی‌آید، موضوع این سند در قالب نکاتی که درخصوص دسته دوم از معاهدات همکاری قضایی و حقوقی در مقدمه ذکر شد، قرار می‌گیرد. لذا نکات زیر درخصوص این موافقتنامه باید مورد توجه قرار گیرد:

۱. مطابق این موافقتنامه این امکان فراهم شده است که اشخاص محکوم به حبس در کشور صادرکننده حکم برای سپری نمودن محکومیت خود به کشور اجراکننده حکم منتقل شوند. برای محقق شدن این امکان وجود چند شرط لازم است که عبارتند از:

الف) محکوم دارای تابعیت دولت اجراکننده حکم باشد،

ب) حکم قطعی باشد،

۱. Typology on Mutual Legal Assistance in Foreign Bribery Cases, p 3&13, available at: <http://www.oecd.org/daf/anti-bribery/TypologyMLA2012.pdf>

- ج) محکوم و دو طرف به انتقال رضایت داشته باشد،  
د) بیش از شش ماه از مدت حبس باقی مانده باشد،  
ه) وجود قاعده مجرمیت مضاعف.

۲. یکی از نکات قابل ذکر در خصوص این موافقتنامه مربوط به اشخاصی است که می‌توانند درخواست انتقال را مطرح کنند. مطابق با بند «ت» ماده (۱) و بند «ت» ماده (۳) به دسته‌ای از خویشان اشاره دارد که می‌توانند در موارد خاص وضعیت جسمی و روانی شخص محکوم از جانب وی، درخواست انتقال را ارائه دهند. موافقتنامه از این دسته از خویشان شخص محکوم، تحت عنوان «بستگان نزدیک» نام برده است و تعریف آن را به قوانین داخلی طرفین ارجاع داده است. با توجه به سابقه‌ای که در این خصوص وجود دارد باید گفت شورای محترم نگهبان به این موضوع ایراد وارد کرده است. ایراد شورای محترم نگهبان دایر مدار عدم ولایت بستگان نزدیک بر شخص محکوم و مغایرت این بندها با احکام شرع بوده است. در خصوص این ایراد باید گفت این بندها به مواردی اشاره دارند که شخص محکوم به واسطه وضعیت جسمانی یا روحی نتواند رضایت خود را مبنی بر انتقال به کشور متبوع برای سپری نمودن ادامه مدت حبس اعلام نماید. باید توجه داشت که در این عبارت اگر منظور از واژه «بستگان نزدیک»، «ولیا» بوده باشد ایراد احتمالی مذکور مطرح نخواهد بود، اما چنانچه مراد از بستگان نزدیک معنایی وسیع‌تر از اولیا باشد، این عمومیت، ایراد دارد. با این حال باید به چند نکته توجه داشت. اول اینکه مطابق با بند «ت» ماده (۱)، مفهوم و دامنه «بستگان نزدیک» به قوانین داخلی دولت متبوع شخص محکوم احاله شده است، بنابراین این ارجاع به قوانین داخلی شاید تا حدودی بتواند رافع ایراد احتمالی شورا باشد. دوم اینکه رویکرد حاکم بر این قبیل موافقتنامه‌ها، حمایتی است و قصد دارد تا در موارد خاص برای اشخاصی که وضعیت دشوار و بحرانی دارند و توان اعلام رضایت ندارند از شمول و عمومیت «بستگان نزدیک» استفاده نماید و این صلاحیت به منظور حمایت هرچه بیشتر از ایشان از طریق بستگان نزدیک آنها، به این اشخاص اعطا شده است؛ سوم اینکه باید توجه داشت در فرآیند انتقال محکومین علاوه بر رضایت محکوم (که رضایت بستگان نزدیک در فرض حاضر جایگزین آن شده است)، مستند به بند «ج» ماده (۳) مقامات صالح علی‌الاصول ابعاد مختلف رضایت به انتقال - از جمله در خصوص رضایت اعلام شده توسط بستگان نزدیک - را ارزیابی خواهند نمود.

۳. به طور کلی باید این ملاحظه را مد نظر داشت که تصویب و پایبندی به این نوع از معاهدات به نوعی شناسایی و احترام به دستگاه قضایی کشور مقابل و تصمیمات آن را ایجاب می‌نماید. در همین خصوص می‌توان به مواد (۱۱) و (۱۳) اشاره کرد که به ترتیب مربوط به ادامه اجرای محکومیت از سوی دولت اجراکننده حکم و تجدیدنظر در حکم محکومیت هستند. طبق این دو ماده، احکام دادگاه‌های طرف مقابل مورد شناسایی قرار می‌گیرند.

۴. با عنایت به ماهیت حمایتی این موافقتنامه، امکان عطف به ماسبق شدن آن و اعمال آن بر احکامی که پیش از لازم‌الاجرا شدن موافقتنامه صادر شده‌اند تدارک دیده شده است.

۵. با عنایت به اینکه اصلاحات بعدی موافقتنامه منوط به طی تشریفات حقوقی داخلی شده است، لذا از این منظر مطابق با سیستم حقوقی اساسی جمهوری اسلامی ایران، ایرادی در خصوص اصلاحات آتی وجود ندارد.

### نتیجه‌گیری

با عنایت به اثر مطلوب این موافقتنامه در بازپروری محکومان به حبس با سپری نمودن محکومیت خود در زندان‌های کشور متبوع و فراهم آمدن امکاناتی از قبیل ملاقات با خانواده و کاهش آثار جانبی محکومیت، تصویب موافقتنامه حاضر مورد پیشنهاد است.